

## رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «برخی اموال ایران» (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)

محسن محبی\*

وحید بذار\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۷

### چکیده

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی صلاحیتی خود در قضیه برخی اموال ایران (ایران علیه آمریکا) که در ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ (۲۰ فوریه ۲۰۱۹) صادر نمود، به ایرادهای مقدماتی آمریکا درباره صلاحیت و عدم قابلیت استماع دعوا پرداخت. ایراد مبنی بر استئنahuای عدم اعمال عهدنامه مودت (ماده ۲۰ (۱) عهدنامه)، ایراد عدم حمایت عهدنامه مودت از مصونیت دولت و ایراد عدم شمول حمایت‌های مقرر در عهدنامه نسبت به بانک مرکزی (به واسطه عدم تلقی آن به عنوان «شرکت») به عنوان ایرادهای صلاحیتی دیوان و ایراد سوءاستفاده از روند دادرسی (Abuse of Process) و ایراد عدم پاکدستی خواهان (ایران) به عنوان ایرادهای مرتبط با عدم قابلیت استماع دعوا مطرح گردید. دیوان به دقت استدلال‌های هریک از طرف‌های اختلاف را رسیدگی نمود. دیوان ایراد عدم شمول عهدنامه مودت به مصونیت دولت را پذیرفت اما ایراد مربوط به «منافع ملی و اساسی» و ایرادهای مربوط به عدم قابلیت استماع دعوا را رد کرد و درنتیجه صلاحیت خود برای رسیدگی به دادخواست خواهان را احراز نمود. ضمناً، ایراد عدم شمول مفاد عهدنامه نسبت به بانک مرکزی، متحق به ماهیت شد؛ زیرا به نظر دیوان این ایراد ویژگی منحصرآ مقدماتی ندارد. در این مقاله تلاش می‌کنیم تا با ذکر ادعاهای و استدلال‌های هریک از طرف‌های اختلاف و نتیجه‌گیری دیوان درخصوص ایرادهای مزبور، آنها را مورد مذاقه و بررسی قرار داده و یافته‌های دیوان را تحلیل کنیم.

**واژگان کلیدی:** دیوان بین‌المللی دادگستری، ایراد مقدماتی، صلاحیت، تفسیر عهدنامه، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا.

\* استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسؤول).  
sd.mohebi@gmail.com

\*\* دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی.

vahidbazzar@gmail.com

## مقدمه

در ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ (۱۳ فوریه ۲۰۱۹) رأی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «برخی اموال ایران» (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا) صادر شد. این قضیه در پی ضبط و مصادره اموال بانک مرکزی ایران به‌واسطه اجرای حکم صادره از دادگاه‌های داخلی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در قضیه «پترسون» شکل گرفت. ایران پس از سال‌ها پیگیری و اعتراض به روند اجرای رأی صادره و طی کلیه مراحل رسیدگی در دادگاه‌های آمریکا نتیجه‌ای نگرفت و به شرحی که خواهد آمد، به استناد عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی (۱۳۳۴) به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه و علیه آمریکا طرح دعوا نمود.

شرح قضیه «پترسون» از این قرار است که در ۲۳ اکتبر سال ۱۹۸۳ میلادی یک کامیون حامل ۱۹ تن مواد منفجره با ورود به مقر تفنگداران نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در لبنان سبب کشته شدن ۲۴۱ تبعه آمریکایی شد.<sup>۱</sup> آمریکا با ادعای تدارک و پشتیبانی این رویداد از سوی ایران،<sup>۲</sup> نام ایران را به عنوان «دولت حامی تروریسم» درج کرد<sup>۳</sup> و بدین‌سان زمینه و موجبات کافی برای بازماندگان و خانواده‌های

۱. در رأی دادگاه بخش کلمبیا در ایالات متحده آمریکا در قضیه «پترسون»، تصریح شده است که انفجار مقر تفنگداران نیروی دریایی آمریکا در بیروت (۱۹۸۳)، بزرگ‌ترین انفجار غیرهسته‌ای است که تاکنون کره زمین به‌خود دیده است (پاراگراف ۵۶).

۲. آقای ویسک نماینده رابط و یکی از وکلای آمریکا، در محضر قضات دیوان بین‌المللی دادگستری این ادعا را مطرح می‌کند که راننده کامیون حامل مواد منفجره که به مقر تفنگداران نیروی دریایی آمریکا در بیروت وارد شد یک شهروند ایرانی عضو حزب الله لبنان بود. همچنین او با اشاره به سخنان سردار رفیق‌دوست در یکی از کارخانه‌های مربوط به امور دفاعی ایران، تلاش کرد تا این انفجار را به ایران منتسب کند: «یالات متحده می‌داند مواد منفجره و ایدئولوژی که ۴۰۰ سرباز مقر تفنگداران نیروی دریایی را به جهنم فرستاد، از سوی ایران بود.» (Verbatim Record of 8 October 2018 (Richard C. Visek), p. 15, paras 6-7).

۳. نام دولت ایران از سال ۱۹۸۴ میلادی تاکنون در فهرست «دولتهای حامی تروریسم» (State Sponsor of Terrorism) ایالات متحده آمریکا قرار دارد. استثنای تروریسم که بعداً به قانون مصونیت دولتهای خارجی (1976) افروزده شد سبب گردید تا دعایی متعددی علیه ایران در دادگاه‌های داخلی آمریکا مطرح شود. بعداً در سال ۲۰۰۲ قانون بیمه خطر تروریسم، اجازه توقيف اموال ایران به منظور اجرای آراء دادگاه‌های آمریکایی در دعایی تروریستی علیه ایران را فراهم آورد و در سال ۲۰۰۸ نیز تعريف موسعی از استثنای تروریسم در نظام حقوقی آمریکا به عمل آمد بهطوری که خسارت تنبیه‌ی (Punitive Damage) که قبلاً صرفاً نسبت به مقامات دولتی پذیرفته شده بود، در خصوص دولتهای خارجی نیز مورد قبول قرار گرفت و ادعاهای مربوط به «خسارت مالی منطقاً قابل پیش‌بینی» (Reasonably Foreseeable Property Loss) نیز قبل مطالبه قلمداد شد.

قربانیان فراهم شد تا در دادگاه‌های آمریکا علیه ایران طرح دعوا نمایند. دادگاه بخش کلمبیا که به شکایت مزبور رسیدگی می‌کرد، در رأی ۳۰ مه ۲۰۰۳ به این نتیجه رسید که وزارت اطلاعات و امنیت ایران در حمله ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ که به وسیله عوامل آن وزارتتخانه و با کمک حزب الله لبنان انجام گرفت، به نحو فعالی مشارکت داشته است.<sup>۱</sup> این رأی برای اجرا در آمریکا با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه شد. سرانجام با تصویب «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه»<sup>۲</sup> (بخش ۵۰۲ قانون) در سال ۲۰۱۲، امکان اجرای آن از محل اموال بانک مرکزی ایران فراهم گردید و مبالغی از اوراق بهادرار بانک مرکزی در آمریکا توقيف شد. مراجعته بانک مرکزی به دادگاه‌های آمریکا که حتی تا دیوان عالی آمریکا کشیده شد نیز نتوانست مانع اجرای این رأی شود و متعاقب صدور حکم از سوی دیوان عالی در سال ۲۰۱۶، قریب ۱/۸ میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی ایران که قبلًا توقيف شده بود، مصادره و مقرر شد بین خواهان‌های پرونده «پترسون» توزیع شود.

حدود دو ماه پس از صدور رأی دیوان عالی آمریکا در پرونده «پترسون» در ۲۵ خرداد ۱۳۹۵ (۱۴ زوئن ۲۰۱۶)، دولت ایران دادخواستی را بر اساس عهدنامه مودت ایران-آمریکا،<sup>۳</sup> در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه آمریکا ثبت نمود. آمریکا در پاسخ به دعواهای ایران، در ماهیت دفاع نکرد بلکه پنج مورد ایراد مقدماتی مطرح کرد (سه مورد ایراد صلاحیتی و دو مورد ایراد عدم قابلیت استماع) و تلاش کرد تا با اثبات عدم صلاحیت دیوان و عدم قابلیت استماع دعوا، مانع از آن شود که دیوان بتواند با ورود به مرحله رسیدگی ماهیتی، ادعاهای ایران را مورد بررسی قرار دهد.

### ۱. ایرادهای مقدماتی ایالات متحده آمریکا: عدم صلاحیت دیوان

دولت آمریکا در قضیه «برخی اموال ایران»، سه ایراد مقدماتی را در خصوص صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی به دادخواست ایران مطرح می‌کند. به عنوان نخستین ایراد، آمریکا بیان می‌کند که ادعای خواهان مشمول استثناهای موضوع ماده ۲۰ عهدنامه مودت

1. Peterson v. Islamic Republic of Iran, United States District Court, District of Columbia, 30 May 2003, para. 92.

2. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act (ITRSRHA) 2012.

۳. عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران-آمریکا، یکی از ۲۱ عهدنامه مودتی است که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم با کشورهای مختلف منعقد نموده است.

(منافع اساسی داخلی) می‌شود. ایرادهای دوم و سوم نیز به ترتیب، در مورد عدم شمول عهدنامه درباره مصونیت دولتين و نیز عدم شمول آن نسبت به بانک مرکزی به عنوان «شرکت» می‌باشد. دولت ایران در پاسخ به ایرادهای مقدماتی آمریکا تلاش نمود تا با اشاره به اقدامات دولت و مقامات آمریکایی، رویکرد منفعل خوانده نسبت به دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن اصلی قضایی ملل متعدد را بر جسته نماید. در این زمینه، نماینده رابط و وکیل ایران در قسمتی از نطق خود به اظهارنظر مشاور امنیت ملی آمریکا که اخیراً بیان شد، اشاره می‌کند که گفته بود: «دیوان بین‌المللی دادگستری یک نهاد غیر مؤثر و سیاست‌زده است و دولت آمریکا تمامی موافقنامه‌های بین‌المللی را که این قابلیت را دارند تا این کشور را در معرض تصمیم‌های الزاماً اور دیوان قرار دهند، مورد بازبینی قرار خواهد داد.» همچنین، نماینده رابط ایران با یادآوری خروج آمریکا از عهدنامه مودت بلا فاصله پس از صدور دستور موقت دیوان به تاریخ سوم اکتبر ۲۰۱۸ در قضیه «نقض عهدنامه مودت» بر «حکومت قانون» انگشت می‌نهد و می‌افزاید که چنین رویکردی مبانی حکومت قانون را متزلزل و نقش دیوان را به عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی که از طریق حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها متجلی می‌شود مخدوش می‌کند.<sup>۱</sup>

#### ۱-۱. استثناهای عدم اعمال عهدنامه مودت

نخستین ایراد صلاحیتی ایالات متحده مبتنی بر ماده ۲۰ (۱) عهدنامه مودت است. آمریکا مدعی است که کارکرد ماده ۲۰ (۱) مستثنی نمودن برخی موضوعات از قلمرو «صلاحیت موضوعی» عهدنامه مودت و در نتیجه از صلاحیت دیوان است که به عقیده آمریکا آنجایی که نقض‌های ادعایی، جزء موارد مذکور در ماده ۲۰ (۱) هستند دیوان نسبت به درخواست ایران برای تفسیر و اجرای آن‌ها صلاحیت ندارد. با توجه به سابقه اظهارنظر دیوان در قضایی قبلی، استناد آمریکا به آن در مرحله رسیدگی صلاحیتی بسیار تعجب‌برانگیز بود. دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» و قضیه «نقض عهدنامه مودت» که از قضا بر اساس همین عهدنامه مودت مطرح شده بود، اعلام کرده بود که ماده ۲۰ (۱) مربوط به دفاع در مرحله رسیدگی ماهیتی می‌شود و نمی‌تواند به عنوان ایراد مقدماتی نسبت به صلاحیت دیوان مورد استناد قرار گیرد. دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» تأکید می‌کند که هیچ مقرره‌ای در عهدنامه مودت وجود ندارد که

1. Verbatim Record of 12 October 2018 (Mohsen Mohebi), p. 36, para. 3.

به‌طور صریح و مستقیم برخی موضوع‌ها را از صلاحیت دیوان خارج کند.<sup>۱</sup> البته آمریکا در جلسه استماع تلاش می‌کرد تا نشان دهد اظهارنظر دیوان در قضایای قبلی به‌خصوص در دستور وقت صادره در قضیه «نقض عهدهنامه مودت» - که پنج روز قبل از جلسه استماع در پرونده «برخی اموال ایران» قرائت شده بود - مانع استناد به ماده ۲۰ (۱) عهدهنامه در مرحله رسیدگی صلاحیتی در این قضیه نمی‌شود. و کیل آمریکا آقای دالی استدلال می‌کند که در قضیه «نقض عهدهنامه مودت»، دیوان در رسیدگی به درخواست صدور دستور وقت بوده و برای این منظور صرفاً در مقام احراز صلاحیت خود به‌صورت «علی‌الظاهر»<sup>۲</sup> بوده و تصمیم دیوان در آنجا، نسبت به صلاحیت قطعی نبوده و نیست و در این پرونده (برخی اموال ایران) که ایراد صلاحیتی مطرح شده، دیوان باید صلاحیت خود را احراز کند. او با اشاره و تأکید بر عبارت «در این قضیه» در پاراگراف ۴۱ دستور وقت (ماده ۲۰ (۱) (د) صلاحیت دیوان را در این قضیه محدود نمی‌کند)<sup>۳</sup> این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که بررسی این مسئله که آیا ماده ۲۰ (۱)، پیامدهای صلاحیتی دارد یا خیر، در این قضیه منتفی نخواهد بود.<sup>۴</sup>

همچنین آمریکا در قضیه «برخی اموال ایران» اندکی متمایز از قضایای قبلی به ماده ۲۰ (۱) استناد کرد تا شاید با توصل به این حربه بتواند از تکرار اظهارنظر سابق دیوان جلوگیری کند. آمریکا گفت ماده ۲۰ (۱) چهار بند دارد که در قضایای قبلی، بند (ب) (درخصوص مواد شکاف‌پذیر، رادیوакتیو، منابع یا فرآورده‌های آن‌ها) و بند (د) (درخصوص تدبیر ضروری برای اجرای تعهدات طرف‌های معاهدہ درخصوص حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و یا تدبیر ضروری برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی آن‌ها) مورد استناد قرار گرفته بودند، اما در قضیه حاضر (برخی اموال ایران)، آمریکا بند (ج) و بند (د) را مورد استناد قرار داده است و استناد به بند (ج)، ادعایی جدید است که در قضایای قبلی مطرح نشده بود. بند (ج) به تدبیر مربوط به تولید و انباشت تسلیحات، مهمات و ادوات جنگی یا انباشت موادی مربوط می‌شود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین نیازهای تأسیسات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند. آمریکا

1. Oil Platform Case (Iran v. USA), Preliminary Objection, I.C.J. Reports 1996, para. 20; Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), Provisional Measures, Order of 3 October 2018, I.C.J. Reports 2018, para. 41.

2. Prima facie.

3. Article XX, paragraph 1, subparagraph (d) did not restrict its jurisdiction in that case ... .

4. Verbatim Record of 8 October 2018 (John D. Daley), pp. 10, 13, paras. 5, 22-23.

استدلال می‌کند که دستور اجرائی ۱۳۵۹۹ ریاست جمهوری آمریکا، تدبیری است که به انباشت مواد فهرستشده در بند (ج) ماده ۲۰ (۱) عهدنامه مودت می‌پردازد و با اتخاذ تدابیری در راستای مبارزه با تروریسم و فعالیت‌های موشکی ایران، برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی آمریکا ضروری است و از این‌رو، ادعاهای مرتبط با آن از صلاحیت دیوان خارج می‌شود.<sup>۱</sup>

هیچ‌کدام از این تلاش‌ها نتوانست دیوان را مت怯عد کند که از تصمیم و نظر قبلی خود در خصوص ماده ۲۰ (۱) عهدنامه مودت عدول کند و دیوان پس از اشاره به قضایای مورد اشاره و تکرار گفته‌های سابق خود، بیان می‌کند که هیچ دلیلی وجود ندارد که بر اساس آن بتوان تمایزی میان بند (ج) و بند (د) ماده ۲۰ (۱) قائل شد.<sup>۲</sup>

## ۱-۲. شمول عهدنامه مودت به مصنوبیت دولتین

این اصل که ادعا علیه دولت‌های خارجی و اموال آن‌ها - جز در صورت رضایت آن‌ها - در دادگاه‌های داخلی کشور دیگر قابل رسیدگی نیست، به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته است.<sup>۳</sup> این مصنوبیت شامل بانک‌های مرکزی نیز می‌شود خصوصاً که فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری بانک‌های مرکزی را در کشورهای خارجی تأمین و تشویق می‌کند. کنوانسیون ملل متحد در خصوص مصنوبیت‌های صلاحیتی دولت‌ها و اموال آن‌ها (۲۰۰۴) نیز این امر را مورد پذیرش قرار داده که اموال بانک‌های مرکزی در مقابل توقیف و آراء دادگاه‌های داخلی مصنوبیت دارند.<sup>۴</sup> برخی دولت‌ها از جمله سوئیس، آرژانتین و ایران،<sup>۵</sup> شناسایی مصنوبیت دولت خارجی را منوط به عمل متقابل کرده‌اند (عبداللهی و شافع، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶). دولت آمریکا رویه متفاوتی را در مقایسه با سایر دولت‌ها برگزیده است<sup>۶</sup> و با تصویب قانون داخلی، مصنوبیت برخی

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 40; Verbatim Record of 8 October 2018 (John D. Daley), pp. 14, 19, paras. 29-55.

2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 45-46.

3. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property 2004, preamble, p. 1.

4. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property 2004, arts. 19 (c), 21 (c).

5. در ایران، قانون مربوط به اعطای مصنوبیت به دولت‌های خارجی در هجدهم مهر ۱۳۷۸ به تصویب رسید. البته، قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی (مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۱۷) جایگزین قانون ۱۳۷۸ و اصلاحات بعدی آن شده است (عزیزی و بدآر، ۱۳۹۸، ص ۴۷۲).

6. خانم فیلیپا ویکی از وکلای ایران در قضیه «برخی اموال ایران» به درستی خاطرنشان می‌کند که «قانون

دولت‌ها از جمله آن‌هایی را که در فهرست «دولت‌های حامی تروریسم» این کشور قرار گرفته‌اند، کنار گذاشته است. یکی از این دولت‌ها ایران است که تا اوت ۱۱۲، ۲۰۱۸ فقره حکم به مبلغ حدود ۸۰ میلیارد دلار (مجموع خسارات ترمیمی و تنبیه‌ی) علیه آن صادر شده است.<sup>۱</sup> متقابلاً دادگاه‌های ایران در اجرای قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۱ و آیین‌نامه اجرایی آن، در ده‌ها پرونده موضوع دعاوی اتباع ایرانی علیه دولت آمریکا با بت خسارت‌های واردہ از اقدامات آمریکا، قریب ۹۰ میلیارد دلار (مجموع خسارات ترمیمی و تنبیه‌ی) رأی صادر کرده‌اند.

در قضیه «برخی اموال ایران» دولت آمریکا معتقد است که این عهدنامه ظرفیت و امکان رسیدگی به ادعاهای گسترده ایران از جمله ادعای مربوط به مصونیت دولت ایران با رفتار آمریکا با بانک مرکزی ایران و دستور اجرائی ۱۳۵۹۹ ریاست جمهوری آمریکا را فراهم نمی‌کند؛ چراکه دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» تصريح نموده بود که موضوع و هدف عهدنامه مودت، تنظیم روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه دولت‌های طرف عهدنامه در معنای کلی آن نیست.<sup>۲</sup> در این زمینه، خانم کیمبال یکی از وکلای آمریکا، با اشاره به رویه دیوان در قضیه «مصطفی‌ها و دادرسی‌های کیفری» و قضیه «فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو» استدلال می‌کرد که قلمرو صلاحیت دیوان محدود به مفاد شرط معاهداتی صلاحیت یعنی ماده ۲۱ عهدنامه مودت است و شامل ادعاهای ایران نمی‌شود.<sup>۳</sup> دیوان در قضیه «مصطفی‌ها و دادرسی‌های کیفری» در پاسخ به ایراد

↓  
 MSCONNIT DOLTHAII XARJII» ((FSIA) ۱۹۷۶) ایالات متحده آمریکا، نخستین قانون ملی در جهان است که قواعد عرفی مربوط به مصونیت - صلاحیتی و اجرائی - دولت را تدوین نموده است و آمریکا در حوزه شناسایی مصونیت دولت در قوانین ملی، یک دولت پیشگام است .(Verbatim Record of 10 October 2018 (Philippa Webb), p. 45, paras. 5-6)

۱. در دعاوی مطرح علیه دولت ایران در دادگاه‌های داخلی آمریکا، حکم به خسارت تنبیه‌ی (Punitive Damage) که پذیرش آن به لحاظ حقوقی محل تأثیر است، به کرات مورد پذیرش قرار گرفته است و حتی مواردی از جمله مسئولیت دولت ایران و شرکت‌های ایرانی در ارتباط با حمله تروریستی القاعده به برج‌های دوقلوی آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز مطرح گردیده است (Verbatim Record of 10 October 2018 (Mohsen Mohebi), pp. 13, 15, paras. 12-13, 16  
2. Oil Platform Case (Iran v. USA), Preliminary Objection, I.C.J. Reports 1996, para. 28.  
3. Verbatim Record of 8 October 2018 (Emily J. Kimball), pp. 61-62, paras. 3, 5.

مقدماتی خوانده تصریح کرده بود که صلاحیت آن محدود به میزان پذیرفته شده از سوی طرف‌های اختلاف است.<sup>۱</sup> همچنین در قضیه «فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو» دیوان بیان کرده بود هنگامی که در خصوص صلاحیت دیوان، به شرط عهدنامه‌ای استناد می‌شود، صلاحیت دیوان صرفاً ناظر به همان محدوده مقرر در عهدنامه و تنها نسبت به طرف‌های آن عهدنامه که به شرط مجبور ملتزم هستند، خواهد بود.<sup>۲</sup> بر این اساس، دولت خوانده (آمریکا) مدعی بود که متن و سیاق عهدنامه مودت هیچ‌گونه مصنونیت صلاحیتی یا اجرائی به دولت‌های طرف آن و واحدها و مؤسسه‌های دولتی آن‌ها اعطای نمی‌کند و موضوع و هدف این عهدنامه نشان‌دهنده این است که صرفاً ناظر به روابط اقتصادی و کنسولی میان دو کشور است و حتی رویه ایران در قضایای مطروح در دهه‌های پس از لازم‌الاجرا شدن عهدنامه در دادگاه‌های آمریکا، نشان‌دهنده این است که ایران هرگز مسئله مصنونیت را مطرح نکرده و مدعی نقض مصنونیتی که حالا ادعا می‌کند در عهدنامه تضمین گردیده، نشده است.<sup>۳</sup>

در طرف مقابل، ایران معتقد است که مصنونیت بانک مرکزی ایران در عهدنامه مودت - و حقوق بین‌الملل عرفی - تضمین شده است و در این مورد، به دو دسته از مقررات عهدنامه استناد می‌کند: مقرراتی که به‌طور مشخص به حقوق مربوط به مصنونیت اشاره دارند (مواد ۴ (۲) و ۱۱ (۴)) و مقرراتی که اگرچه به‌طور صریح به مصنونیت دولتین اشاره نمی‌کنند، اما تفسیر و اجرای کامل آن‌ها مستلزم توجه به مصنونیت‌های دولت و موجودیت‌های دولتی است (مواد ۳ (۲)، ۴ (۱) و ۱۰ (۱)).<sup>۴</sup> از استدلال‌ها و دفاعیات طرف‌ها پیداست که در مورد این که آیا عهدنامه مودت موضوعاً شامل مصنونیت دولتین هست یا نه، اختلاف دارند. همین مقدار «موضوع اختلاف» برای صلاحیت دیوان جهت ورود به پرونده کافی است. اما این که آیا دیوان «صلاحیت موضوعی» برای رسیدگی به ادعای ایران درباره نقض مصنونیت دولت و بانک مرکزی دارد، محتاج ارزیابی تفسیرها و استدلال‌ها و ادله طرف‌ها درباره مواد ذی‌ربط

1. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), Preliminary Objections, I.C.J. Reports 2018, para. 42.
2. Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 2006, para. 65; Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), Provisional Measures, Order of 10 July 2002, I.C.J. Reports 2002, para. 57.
3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 49.
4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 51.

عهدنامه مودت است. دیوان در رأی صلاحیتی خود، مواد مورد اشاره ایران را به‌طور دقیق بررسی می‌کند تا مشخص کند که آیا به‌واسطه این مواد، مسئله مصونیت به‌لحاظ موضوعی<sup>۱</sup> در قلمرو عهدنامه مودت قرار می‌گیرد یا خیر.

مطابق ماده ۴ (۲)، اموال اتباع و شرکت‌های یک طرف عهدنامه و منافع آن اموال، از حداکثر امنیت و حمایت دائمی - نه کمتر از آنچه حقوق بین‌الملل اقتضا می‌کند - در سرزمین طرف دیگر عهدنامه برخوردار خواهند بود و این اموال جز در راستای اهداف عمومی و بدون پرداخت فوری یک غرامت عادلانه توقيف نخواهند شد. این غرامت باید به‌ نحو مؤثری قابل پرداخت و به‌طور کامل معادل مالی باشد که توقيف شده است و باید تمهیدات لازم جهت تعیین و پرداخت غرامت در زمان توقيف مال یا قبل از آن اتخاذ گردد. در جلسه استماع، ایران با تمرکز بر عبارت ماده مذکور («مقتضیات حقوق بین‌الملل»<sup>۲</sup>) استدلال می‌کرد که این مقرر، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی درخصوص مصونیت را نیز شامل می‌شود و از آنجایی که اموال اتباع و شرکت‌های ایرانی (بانک مرکزی و ...) حداکثر امنیت و حمایت را در آمریکا نداشته و تعهد آمریکا به رفتار با آن‌ها نه کمتر از مقتضیات حقوق بین‌الملل، نقض شده است، دیوان صلاحیت دارد تا حقوق مصونیت را در سیاق ماده ۴ (۲) عهدنامه مودت اعمال کند. وکیل ایران آقای سامولی ورد ورث در جلسه استماع تصریح می‌کند که ممنوعیت وسیع توقيف اموال مگر برای هدف عمومی و با پرداخت فوری یک غرامت عادلانه، شامل هرگونه توقيف قضایی، قانون‌گذاری و احرایی می‌شود و ماده ۴ (۲) هیچ‌گونه محدودیتی درخصوص نوع اموال یا نوع شرکت نپذیرفته است؛ آمریکا بدون پرداخت غرامت، اقدام به سلب مالکیت از اموال بانک مرکزی (وراق بهادر) نموده است و تعیین این که آیا این اقدام مبتنی بر یک هدف عمومی بوده است یا خیر، مسئله‌ای مربوط به مرحله رسیدگی ماهیتی است.<sup>۳</sup> آمریکا در مقابل استدلال می‌کند که عبارت «مقتضیات حقوق بین‌الملل» که در ماده ۴ (۲) آمده ناظر به حداقل استانداردهای رفتار نسبت به اموال خارجیان در دولت میزبان است که مفهومی شناخته شده در حقوق حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی - و نه مصونیت دولت - است و این واقعیت که در عهدنامه مودت این حمایت از حقوق سرمایه‌گذاری

1. Ratione materiae.

2. ... that required by international law ... .

3. Verbatim Record of 10 October 2018 (Samuel Wordsworth), p. 21, paras. 33-34.

به طور همزمان و غیر قابل تبعیض شامل شرکت‌های خصوصی و دستگاه‌های دولتی می‌شود، اثبات می‌کند که ماده ۴ (۲) نمی‌تواند متنضم حاکمیت دولت باشد.<sup>۱</sup>

پس از دفاعیات طرف‌ها، دیوان بدون بررسی ماهیت حقوقی بانک مرکزی به عنوان یک «شرکت»، اعلام می‌کند که از آنجایی که طرف‌ها در مقدمه عهدنامه، هدف خود را تشویق سرمایه‌گذاری‌ها و تجارت پُر سود دوچار و مراودات اقتصادی نزدیک میان اتباعشان و تنظیم روابط کنسولی اعلام کرده‌اند و با توجه به عنوان عهدنامه مودت، تفسیر ایران از ماده ۴ (۲) عهدنامه - و استناد به عبارت «مقتضیات حقوق بین‌الملل» - در ماده مذبور با موضوع و هدف عهدنامه تطبیق نمی‌کند. همچنین به نظر دیوان، عبارت «حقوق بین‌الملل» در این ماده محدود به استاندارد حمایت حداقلی از اموال فعالان اقتصادی هر یک از طرف‌ها در سرزمین طرف دیگر عهدنامه است و ارتباطی به واحدها و مؤسسه‌های دولتی بر اساس اصل برابری حاکمیت دولتها ندارد و شامل آن‌ها نمی‌شود.

دیوان با بررسی سایر جمله‌ها و عبارت‌های بند دوم و همچنین بند نخست ماده ۴ به این نتیجه می‌رسد که هدف این ماده تضمین برخی حقوق و حمایت‌های حداقلی برای اشخاص حقیقی و حقوقی درگیر در فعالیت‌های اقتصادی است و شامل قواعد عرفی مربوط به مصنونیت دولت نمی‌شود.<sup>۲</sup>

ماده دیگر مورد استناد ایران که از قضا از مصنونیت سخن گفته است، ماده ۱۱ عهدنامه است. مطابق بند چهارم این ماده شرکت‌ها، مؤسسه‌ها و یا بنگاه‌های هر یک از دولتین طرف عهدنامه از جمله شرکت‌های تجاری، انجمن‌ها و نمایندگی‌های دولتی (آژانس) که مالکیت عمومی دارند یا چنین نظارتی بر آن‌ها وجود دارد، اگر به فعالیت اقتصادی، صنعتی، کشتیرانی یا سایر فعالیت‌ها در سرزمین طرف دیگر عهدنامه بپردازند، نمی‌توانند در مورد خود یا اموال خود مدعی مصنونیت از مالیات، مصنونیت در قبال دعاوی، اجرای احکام قضایی، مصنونیت قضایی و اجرائی یا سایر مسئولیت‌هایی که برای آن‌ها در آن سرزمین وجود دارد، بشوند. ایران مدعی بود که این مقرره مصنونیت شرکت‌ها را صرفاً در موارد اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی یا صنعتی استثنای می‌کند و تأثیری بر حق واحدها و مؤسسه‌های دولتی که به اعمال حاکمیتی<sup>۳</sup> می‌پردازند، برای

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 54-55.

2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 57-58.

3. Jure imperii.

استناد به مصونیت تحت حقوق بین‌الملل عرفی ندارد. در واقع، ایران تلاش می‌کرد تا نشان دهد که از مفهوم مخالف ماده ۱۱<sup>(۴)</sup>، مصونیت شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی که اعمال حاکمیت می‌کنند، قابل استنباط است. آمریکا در مقابل مدعی بود که این ماده تنها به‌دلیل پیشگیری از رقابت غیرمنصفانه میان شرکت‌های تحت مالکیت عمومی و دولتی و خصوصی است و مانع از مسئولیت شرکت‌های دولتی که در رقابت با شرکت‌های خصوصی هستند، نمی‌شود. دیوان هم‌سو با استدلال آمریکا تصريح می‌کند که با توجه به موضوع و هدف عهدنامه مودت، اشاره انحصاری ماده ۱۱<sup>(۴)</sup> به شرکت‌های فعال در حوزه‌های تجاری و صنعتی به این سبب است که این ماده تنها به فعالیت‌های تجاری و اقتصادی محدود می‌شود و در پی تضمین رقابت منصفانه میان فعالان تجاری و اقتصادی طرف‌های عهدنامه است. بنابراین، اعمال حاکمیتی با فلسفه وجودی ماده ۱۱<sup>(۴)</sup> قرابتی ندارد و این ادعا که ماده مذبور متضمن مصونیت دولتین تحت شمول عهدنامه مودت است، قابل پذیرش نیست.<sup>۱</sup> این نتیجه‌گیری دیوان با مخالفت چهار قاضی از قضاط دیوان مواجه شد و این مسئله اساسی را مطرح می‌کند که اگر ماده ۱۱<sup>(۴)</sup> هیچ مصونیتی به شرکت‌های طرف‌های عهدنامه اعطا نمی‌کند و طرف‌ها هیچ تعهدی به رعایت مصونیت یکدیگر ندارند، در مواردی که یکی از دولتین با استفاده از قدرت حاکمیتی خود مانع فعالیت تجاری شرکت طرف دیگر می‌شود، این رقابت منصفانه چگونه ممکن است برقرار باشد؟ (Hosseinnejad and Askary, 2019).

قاضی رابینسون در نظریه جدگانه خود، تصمیم دیوان در خصوص این بند را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او معتقد است که فارغ از مفهوم مخالف ماده ۱۱<sup>(۴)</sup> عهدنامه مودت یا اشاره ضمنی آن، تفسیر این ماده بر اساس ماده ۳۱<sup>(۱)</sup> کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) به این نتیجه می‌انجامد که شرکت‌های دولتی که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهند، در قلمرو عهدنامه مودت می‌گنجد و صرف این که عهدنامه مودت صریحاً به مصونیت در قبال اعمال حاکمیتی اشاره نمی‌کند، در احراز این‌که چنین مصونیتی در چارچوب این عهدنامه می‌گنجد یا خیر، تعیین‌کننده نیست. او می‌افزاید که بهره‌مندی مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی از مصونیت در اعمال حاکمیتی خود، برای نیل به موضوع و هدف عهدنامه مودت که همانا ارتقای روابط اقتصادی و تجاری و سرمایه‌گذاری میان

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 60-61, 65.

دو کشور است، امری حیاتی است و بنابراین، عهدنامه مودت متنضمّن شناسایی مصونیت حاکمیتی بانک مرکزی در قبال اعمال حاکمیتی آن است؛ چراکه اگر به‌واسطه عدم رعایت مصونیت بانک مرکزی، تجار و سرمایه‌گذاران هر یک از طرفها نتوانند به آسانی مبادرت به انتقال وجوده از یا به دولت میزبان کنند، به موضوع و هدف عهدنامه خدشة جدی وارد می‌شود.<sup>۱</sup>

قاضی جمشید ممتاز - قاضی اختصاصی ایران - نیز به‌عنوان یکی از مخالفان سرسخت این قسمت از نتیجه‌گیری دیوان، ایراد خود را این‌گونه مطرح می‌کند: ایران برخلاف آمریکا معتقد است که ماده ۱۱ (۴) عهدنامه مودت متنضمّن مصونیت برای اعمال حاکمیتی شرکت‌های دولتی طرف‌های عهدنامه است و از آنجایی که در خصوص قلمرو و معنای این ماده میان طرف‌ها اختلاف وجود دارد، دیوان بر اساس ماده ۲۱ عهدنامه مودت، صالح به رسیدگی به اختلاف ناشی از تفسیر و اجرای آن است. او تصریح می‌کند که چگونه است که دیوان در قضیه «سکوهای نفتی»، موضوع توسل به زور را خارج از عهدنامه مودت نمی‌داند اما در اینجا نسبت به نقض مصونیت شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهند و این نقض مانع اجرای حقوق و تعهدات ناشی از عهدنامه می‌شود، به یک نتیجه‌گیری کاملاً متمایز می‌رسد. ایراد دیگر قاضی ممتاز، نسبت به نحوه تفسیر دیوان از ماده ۱۱ (۴) عهدنامه مودت است. او ضمن یادآوری بند (پ) ماده ۳۱ (۳) کنوانسیون حقوق معاہدات ۱۹۶۹ (لحاظ نمودن سایر قواعد مرتبط و لازم‌الاجرا حقوق بین‌الملل در روابط میان طرف‌های عهدنامه) و اظهارنظر دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه «ال‌اَدسانی»<sup>۲</sup> بیان می‌کند که تفسیر ماده ۱۱ (۴) عهدنامه مودت بدون در نظر گرفتن قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص مصونیت، تفسیری اشتباه است و نقض مصونیت صلاحیتی بانک مرکزی هنگامی که بانک به اعمال حاکمیتی می‌پردازد، می‌تواند آزادی تجارت میان ایران و آمریکا را

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge Robinson, paras. 4-5, 7-8, 11, 14.

۲. دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه «ال‌اَدسانی» تصریح می‌کند که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باید تا جایی که ممکن است سازگار با سایر قواعد حقوق بین‌الملل که خود نیز بخشی از آن‌هاست از جمله قواعد مربوط به Al-Adsani v. the United Kingdom, ECHR, Application No. (35763/97, Judgment of 21 November 2001, para. 55

<sup>۱</sup> مخدوش کند.

به هر حال، این اظهارنظر دیوان درباره مسئله مصونیت تحت عهدنامه مودت متمایز از طرز عمل دیوان در قضایایی از جمله قضیه «لاگراند» و قضیه «تعهد به محکمه یا استرداد» است. در آن قضایا دیوان، مقررة معاهداتی را با توجه به ماهیت تعهدات مورد بحث و فلسفه وجودی آن تعهدات، در مفهوم نانوشتہاش تفسیر نمود (Hosseini Nejad and Askary, 2019) (and Askary, 2019). در قضیه «لاگراند»، دیوان با اشاره به مفاد ماده ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی (۱۹۶۳) از جمله لزوم اطلاع حق برخورداری از کمک‌های کنسولی دولت متبوع به فرد بازداشت شده و نیز حق مخالفت او با ارایه کمک‌های کنسولی و با عطف توجه به فلسفه وجودی این حق اعلام نمود که این مقرر، «حقوق فردی» ایجاد می‌کند.<sup>۲</sup> در حالی که در مقدمه کنوانسیون مذبور تصریح شده بود که کنوانسیون، برای منتفع نمودن افراد ایجاد نشده است. همچنین، دیوان در قضیه «تعهد به محکمه یا استرداد» بیان می‌کند که علی‌رغم سکوت ماده ۷ (۱) کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) درخصوص محدوده زمانی اجرای تعهد مورد بحث، موضوع و هدف کنوانسیون ایجاب می‌کند که اجرای این تعهد در یک «زمان معقول» انجام گیرد.<sup>۳</sup> همچنین، در خصوص پذیرش مفهوم مخالف در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری باید به قضیه «نیکاراگوئه عليه کلمبیا» اشاره کرد که دیوان اعلام می‌کند که پذیرش مفهوم مخالف از یک مقرره تنها زمانی امکان‌پذیر است که ارائه چنین تفسیری با سایر مقررات مرتبط عهدنامه، سیاق آن‌ها و موضوع و هدف عهدنامه تناسب داشته باشد.<sup>۴</sup> در آن قضیه، دیوان به این نتیجه می‌رسد که اگر به دولت ثالث (السالوادور) اجازه داده شود که طرف دعوا باشد، دولت ثالث می‌تواند حقوقش را که در تصمیم آتی دیوان تبیین می‌گردد، مطالبه کند و مطابق ماده ۵۹ اساسنامه دیوان، جنبه‌هایی از تصمیم دیوان که برای آن‌ها، اجازه ورود

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge ad hoc Momtaz, paras. 11, 13, 15-16.
2. LaGrand Case (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2001, paras. 75, 77.
3. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), I.C.J. Reports 2012, para. 114.
4. Alleged Violations of Sovereign Rights and Maritime Spaces in the Caribbean Sea (Nicaragua v. Colombia), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2016, para. 37; Question of the Delimitation of the Continental Shelf between Nicaragua and Colombia beyond 200 Nautical Miles from the Nicaraguan Coast (Nicaragua v. Colombia), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2016, para. 35.

به ثالث داده شده است، برای طرف ثالث نیز الزام‌آور خواهد بود. سپس دیوان می‌گوید که مفهوم مخالف این نتیجه‌گیری آن است که اگر به یک دولت غیر طرف دعوا اجازه ورود به دعوا داده شود، آن دولت هیچ حقوقی کسب نمی‌کند و مخاطب هیچ تعهداتی قرار نمی‌گیرد.<sup>۱</sup> قاضی جمشید ممتاز در نظریه جدایگانه خود ضمن انتقاد از نتیجه‌گیری دیوان در خصوص «مفهوم مخالف» بیان می‌کند که در تفسیر یک سند، علاوه بر قواعد اصلی و فرعی تفسیر مندرج در مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) که حصری هم نیستند، اصول دیگری نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار بگیرند؛ اصولی چون «مفهوم مخالف» و این‌که «دادگاه باید مقررات مبهم، متعارض یا مورد اختلاف یک سند حقوقی را به‌گونه‌ای تفسیر کند که به بهترین وجه از معتبر بودن و مؤثر بودن سند حمایت کند».<sup>۲</sup> در مقابل، قاضی اختصاصی آمریکا آقای بِراور بیان می‌کند که وقتی موضوع به صراحت در یک سند حقوقی تصریح می‌شود، فرض می‌شود که موضوعات مشابه عمداً مورد توجه قرار نگرفته‌اند.<sup>۳</sup> در عهdenamه مودت ایران-آمریکا نیز اگر طرف‌های عهdenamه، قصد پیش‌بینی مصونیت دولتین را در این عهdenamه اقتصادی داشتند، آن را آشکارا و مستقیم انجام می‌دادند.<sup>۴</sup>

باری، سومین مقرر مورد استناد ایران در مورد مسئله مصونیت، ماده ۳ (۲) عهdenamه مودت است. طبق این ماده، اتباع و شرکت‌های هر یک از طرف‌های عهdenamه در دسترسی به دادگاهها و نهادهای اداری و اجرایی در سرزمین طرف دیگر - در همه مراجع یا برای دفاع یا مطالبه حقوق - آزاد خواهند بود تا عدالت، بی‌طرفانه و بی‌درنگ اجرا شود و در هیچ صورتی نباید این دسترسی تحت شرایطی نامساعدتر از شرایطی قرار گیرد که برای اتباع و شرکت‌های دول ثالث در نظر گرفته شده است. شرکت‌هایی که در کشور طرف عهdenamه فعالیت نمی‌کنند نیز بدون هیچ پیش‌شرطی در خصوص ثبت و بومی بودن، حق به برخورداری از چنین دسترسی خواهند بود. ایران استدلال می‌کند که برای بررسی این‌که آیا آمریکا این حق دسترسی را تأمین کرده یا نه، باید دید که آیا

1. Territorial and Maritime Dispute (Nicaragua v. Colombia), Application by Honduras for Permission to Intervene, I.C.J. Reports 2011 , para. 29.

2. ut res magis valeat quam pereat.

3. expressio unius est exclusio alterius.

4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge ad hoc Brower, paras. 15-16.

ممانعت آمریکا از حق واحدها یا مؤسسه‌های ایرانی در استفاده از مصونیت (در مقام دفاع در دادگاه‌های آمریکا) مطابق حقوق بین‌الملل عرفی است؟<sup>۱</sup> همچنین، واحدها و مؤسسه‌های کشورهای دیگر که به أعمال حاکمیتی اشتغال دارند - بهخصوص بانک‌های مرکزی - می‌توانند به مصونیت قضایی و اجرایی خود نزد دادگاه‌های آمریکا استناد کنند و تنها بانک مرکزی ایران است که به موجب بخش ۵۰۲ «قانون کاهاش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه (۲۰۱۲)» از این حق محروم شده است.<sup>۲</sup> در مقابل آمریکا ضمن رد استدلال ایران بیان می‌کند که آزادی دسترسی به دادگاه که در عهدنامه مودت پیش‌بینی شده، به این معنا نیست که برخی مؤسسه‌ها نباید تحت تعقیب قرار گیرند یا این‌که اموال آن‌ها نباید توقيف شود، بلکه حق دسترسی به دادگاه تنها متضمن اجازة دسترسی به دادگاه است و هیچ‌گونه حقوق یا تضمین در خصوص دفاعیاتی که ممکن است در دادگاه مطرح شود، اعطای نمی‌کند. دیوان تصریح می‌کند که نه از معنای متدالوں عبارات ماده ۳(۲) و نه از سیاق آن‌ها و نه در پرتو موضوع و هدف عهدنامه مودت این نتیجه حاصل نمی‌گردد که تعهد آمریکا به اعطای دسترسی آزاد شرکت‌های ایرانی به دادگاه‌های آمریکایی متضمن تعهد به رعایت مصونیت آن‌ها طبق حقوق بین‌الملل عرفی نیز هست و این‌ها دو موضوع متمایز از یکدیگرند. در واقع، ماده ۳(۲) در پی تضمین حقوق شکلی یا ماهوی که شرکت‌ها یا مؤسسه‌های هر طرف با مراجعة به دادگاه‌ها یا مراجع طرف دیگر عهدنامه به‌دلیل آن است، بلکه در عهدنامه تنها دسترسی به دادگاه‌ها یا مراجع مزبور مدنظر است.<sup>۳</sup>

چهارمین مقرره که ایران به آن استناد می‌کند ماده ۴(۱) است. بر اساس این مقرره، طرف‌های عهدنامه همواره «رفتار عادلانه و منصفانه»<sup>۴</sup> نسبت به اتباع و شرکت‌های طرف دیگر و اموال آن‌ها خواهند داشت و از اتخاذ تدابیر غیرمعقول و تبعیض‌آمیزی که به حقوق مکتسپه قانونی آن‌ها لطمہ زند، امتناع خواهند کرد و تضمین می‌کنند که برای حقوق قراردادی قانونی آن‌ها، ابزارهای اجرایی مؤثر - در راستای قوانین لازم‌الاجرا - فراهم گردد. به نظر ایران، نادیده گرفتن مصونیت حاکمیتی واحدها و مؤسسه‌های ایرانی بر اساس

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 67.

2. Verbatim Record of 10 October 2018 (Samuel Wordsworth), pp. 14-15, para. 14.

3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 68, 70.

4. Fair and Equitable Treatment.

حقوق بین‌الملل عرفی می‌تواند نقض تعهد به انجام رفتار عادلانه و منصفانه و خودداری از اتخاذ تدابیر تبعیض‌آمیز و غیرمعقول قلمداد گردد. اما آمریکا معتقد است که ماده ۴ (۱) یک مقررة متداول در معاهدات مودت، کشتیرانی و بازرگانی است و به منظور ارائه حمایت‌های مشخص به اتباع و شرکت‌های یک طرف در فعالیت‌های اقتصادی حرفه‌ای و شخصی آن‌ها در سرزمین طرف دیگر پیش‌بینی شده است. دیوان به استدلال‌های ارائه شده از سوی طرف‌ها در خصوص بند نخست ماده ۴ نمی‌پردازد و صرفاً به ذکر این نکته بسنده می‌کند که به دلایل مشابه دلایلی که در خصوص ماده ۴ (۲) بیان شد، ادعای ایران درخصوص شمول مصونیت دولتین در قلمرو موضوعی ماده ۴ (۲) را نمی‌تواند پذیرد.<sup>۱</sup>

آخرین مقرره‌ای که ایران در این بخش به آن متولّ می‌شود ماده ۱۰ (۱) است که به موجب آن، تعهد به آزادی تجارت و دریانوردی میان طرف‌های عهده‌نامه مقرر شده است. به نظر ایران، احراز صلاحیت دیوان در خصوص این که آیا آمریکا آزادی تجارت را رعایت نموده است یا خیر، متضمن صلاحیت نسبت به احراز این امر است که آیا مصونیت حاکمیتی بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی رعایت شده است یا خیر. ایران با اشاره به طرز عمل دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» اعلام می‌کند که دیوان، مفهوم گسترده‌ای از «آزادی تجارت» را پذیرفته است، چراکه در دعوای مقابل آمریکا در قضیه مزبور در مورد مجموعه‌ای از حملات مسلحانه ادعایی از سوی ایران، این مقرره را مبنای کار قرار داد.<sup>۲</sup> آمریکا در پاسخ بیان می‌کند که آزادی تجارت مربوط به رفتار با کشتی‌ها و محموله‌هایی است که آن‌ها حمل می‌کنند و ماده ۱۰ (۱) که مربوط به تجارت واقعی و فعالیت‌های جنبی است که به‌طور مستقیم از آن ناشی می‌شوند و نمی‌تواند مصونیت حاکمیتی را نیز شامل شود. دیوان در این خصوص اعلام می‌کند که هیچ دلیلی وجود ندارد که در این قضیه، تفسیری متمايز از آنچه در قضیه «سکوهای نفتی» درخصوص مفهوم «آزادی تجارت» گفته شد، پذیرفته شود.<sup>۳</sup> دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» تصريح نموده بود که آزادی تجارت، کلیه مبادلات تجاری - نه صرفاً تجارت دریایی - را دربر می‌گیرد و کلمه تجارت، نه در عرف تجاری و نه در معنای حقوقی آن محدود به خرید یا فروش نمی‌شود و معاهدات اقتصادی، طیف وسیعی از موضوعات از جمله حق

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 71-74.

2. Verbatim Record of 10 October 2018 (Samuel Wordsworth), p. 22, para. 38.

3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 76-77, 79.

بر ایجاد و انجام تجارت را پذیرفته‌اند.<sup>۱</sup> دیوان ضمن تکرار یافته‌های خود در خصوص ماده ۱۰ (۱) عهدنامه مودت، بیان می‌کند که نقض مصونیت حاکمیتی واحدها و مؤسسه‌های دولتی که به آعمال حاکمیتی می‌پردازند، ربطی به آزادی تجارت مندرج در ماده ۱۰ (۱) ندارد و آن‌ها را مختلط نمی‌کند؛ چراکه موضوع این ماده به فعالیت‌هایی از جنس متفاوت مربوط می‌شود.<sup>۲</sup>

در نهایت، دیوان در نتیجه‌گیری پایانی خود اعلام می‌کند که هیچ‌کدام از مواد مورد استناد ایران، مسئله مصونیت دولتین را که در حقوق بین‌الملل عرفی تضمین شده است، به عنوان یک موضوع مربوط به تفسیر و اجرای عهدنامه مودت در قلمرو ماده ۲۱ (۲) و در نتیجه در صلاحیت دیوان قرار نمی‌دهد و بنابراین، دیوان ایراد مقدماتی دوم ایالات متحده آمریکا را - با ۱۱ رأی به ۴ رأی - می‌پذیرد.<sup>۳</sup> باید به این نکته توجه داشت که دیوان در این مرحله از رسیدگی، به این مسئله نپرداخت که آیا بانک‌های مرکزی در سرمیان دولت‌های خارجی، از مصونیت برخوردارند یا خیر، بلکه صرفاً قصد پاسخ به این مسئله را داشت که آیا چنین مصونیتی را می‌تواند در عهدنامه مودت به عنوان مبنای سند مبنای صلاحیت خود بیابد تا پس از احراز صلاحیت، در مرحله رسیدگی ماهیتی به مسئله نخست بپردازد؟ این امر، مورد انتقاد قاضی گئورگین قرار می‌گیرد. او در نظریه جدگانه‌اش که به رأی دیوان ضمیمه نمود، بیان می‌کند که دیوان باید صلاحیتش نسبت به رسیدگی به ادعاهای ایران در خصوص مصونیت را بر اساس مواد ۳ (۲) و ۱۰ (۱) عهدنامه می‌پذیرفت. او با تکرار اظهارنظر دیوان در قضیه «سکوهای نفتی» (معاهدات با ماهیت اقتصادی، طیف وسیعی از موضوعات مرتبط با تجارت را در بر می‌گیرند) می‌گوید با توجه به نقش اساسی بانک مرکزی در اجرای مؤثر مبادرات اقتصادی شرکت‌های ایرانی با آمریکا، پیامد مستقیم نادیده گرفتن مصونیت ایران و شرکت‌های ایرانی به‌واسطه اتخاذ برخی تدابیر، نقض «آزادی تجارت» مندرج در ماده ۱۰ (۱) عهدنامه مودت است. همچنین، تدابیر اتخاذ شده از سوی آمریکا، بانک مرکزی ایران را از یک دفاع شکلی مقدماتی - استناد به مصونیت - محروم می‌کند که این امر، شرایط

1. Oil Platforms (Iran v. USA) (Preliminary Objection, Judgment, I.C.J. Reports 1996, paras. 45-46.

2. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), I.C.J. Reports 2019, para. 79.

3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 80, 126(2).

نامساعدتری را برای بانک مرکزی ایران در مقایسه با سایر بانک‌های مرکزی که در آمریکا فعالیت می‌کنند، فراهم می‌آورد.<sup>۱</sup>

**۱-۳. عدم شمول عهدنامه به بانک مرکزی به واسطه عدم تلقی آن به عنوان «شرکت»**  
 دولت خوانده (آمریکا) در ایراد سوم خود بیان می‌کند که بانک مرکزی ایران به این سبب که آعمال صرفاً حاکمیتی را انجام می‌دهد و به فعالیت‌های ماهیتاً تجاری نمی‌پردازد، اساساً «شرکت» در مفهوم مواد ۳، ۴ و ۵ عهدنامه مودت محسوب نمی‌شود و خارج از قلمرو این مواد قرار می‌گیرد و دیوان باید بر همین اساس، کلیه ادعاهای ایران در مورد نقض این سه ماده را خارج از صلاحیت خود اعلام کند. در این قضیه، اهمیت تلقی بانک مرکزی به عنوان یک «شرکت» در چارچوب عهدنامه مودت از این جهت است که عهدنامه مودت، حق‌هایی را برای شرکت‌ها برشمرده است که اگر بانک مرکزی، شرکت قلمداد شود از آن‌ها بخوردار خواهد بود و در نتیجه می‌توان نقض این حق‌ها از سوی ایالات متحده را به دیوان ارجاع کرد. این حق‌ها عبارتند از: آزادی دسترسی به دادگاه و نهادهای اداری و اجرائی به منظور مطالبه یا دفاع از حقوقشان (ماده ۳(۲)), حق بر رفتار عادلانه و منصفانه و منع رفتار تبعیض‌آمیز یا غیرمعقول (ماده ۴(۱)), حداکثر حمایت دائمی از اموال شرکت‌ها که کمتر از مقتضیات حقوق بین‌الملل نباشد و حق بر عدم توقیف این اموال جز با پرداخت فوری یک غرامت عادلانه و جز برای یک هدف عمومی (ماده ۴(۲)), حفاظت از اماکن مورد استفاده شرکت‌ها از ورود یا مزاحمت بدون دلیل موجه و ورود صرفاً بر اساس قانون (ماده ۵(۳)), منع رفتار تبعیض‌آمیز با سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در مقایسه با سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولت‌های ثالث در فعالیت‌های مشابه (ماده ۵(۴)) و منع رفتار تبعیض‌آمیز در خصوص حق شرکت‌ها در اجاره یا فروش اموال منقول یا غیرمنقولشان در مقایسه با شرکت‌های دولت‌های ثالث (ماده ۵).

آمریکا برای اثبات مدعای خود به «قانون پولی و بانکی ایران (۱۳۳۹)» اشاره می‌کند که بانک مرکزی را تحت کنترل کامل دولت ایران می‌داند و کارکردهای صرفاً حاکمیتی به آن اعطا می‌کند و این که بانک مرکزی حتی به عنوان نماینده ایران در سازمان‌های بین‌المللی همچون «صندوق بین‌المللی پول» حاضر می‌شود.<sup>۲</sup> همچنین، آمریکا بیان

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge Gevorgian, paras. 9-12.

2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 82; Verbatim Record of 8

می‌کند که در جریان دعاوی که در دادگاه‌های آمریکا مطرح بوده، بانک مرکزی همواره خود را به عنوان یک موجودیت فعال در ظرفیت حاکمیتی – نه یک شرکت یا بنگاه اقتصادی – معرفی می‌کند<sup>۱</sup> و غیر قابل باور است که بپذیریم ایران هیچ نقشی در استدلال‌های بانک مرکزی در دعوا بی‌آی که در آن میلیاردها دلار در معرض خطر بوده (رسیدگی به قضیه «پترسون» در دادگاه‌های داخلی آمریکا)، نداشته است.<sup>۲</sup> و کیل آمریکا آقای چیلدرس بیان می‌کند که از یک طرف، بانک مرکزی به عنوان یک شرکت حق به بهره‌مندی از حمایت‌های عهدنامه مودت معرفی می‌شود و از طرف دیگر، ایران آن را به عنوان یک دستگاه حاکمیتی برخوردار از مصونیت بر اساس عهدنامه مودت می‌داند. او ایران را به فردی تشبيه می‌کند که هم می‌خواهد کیک را بخورد و هم آن را نگه دارد. به عقیده او خوانش با حسن نیت از معنای متداول عبارات عهدنامه و در سیاق و در پرتو موضوع و هدف آن<sup>۳</sup> اجازه نمی‌دهد که یک موجودیت دولتی بتواند به صرف استقلال شخصیت حقوقی، از حمایت‌های ارائه شده برای شرکت‌های خصوصی بهره‌مند شود و موضوع و هدف عهدنامه مودت نشان می‌دهد که طرف‌های آن قصد نداشته‌اند مؤسسه‌های دولتی را که کارکردهای حاکمیتی دارند به عنوان شرکت قلمداد نماید.<sup>۴</sup>

در مقابل، ایران ضمن تأکید بر ماهیت بانک مرکزی به عنوان یک شرکت، بیان می‌کند که ماده ۳(۱) عهدنامه مودت، تعریف بسیار موسعی از مفهوم «شرکت» پذیرفته است و هر موجودیتی را که بر اساس نظام حقوقی ای که در آن ایجاد شده و دارای شخصیت حقوقی باشد – فارغ از فعالیت یا ساختار آن – دربر می‌گیرد. همچنین، بانک مرکزی ایران طبق ماده ۱۰ «قانون پولی و بانکی» دارای شخصیت حقوقی است و

October 2018 (Donald Earl Childress), p. 54, para. 44.

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 94.

در جریان رسیدگی به قضیه «پترسون» در دادگاه‌های آمریکا، دولت آمریکا در قالب تأسیس «وست دادگاه» (amicus curiae) در دیوان عالی آمریکا حاضر شد و این تفسیر را از عهدنامه مودت ایران-آمریکا ارائه کرد: «خوانش منطقی از عهدنامه مودت، موجودیت‌هایی همچون بانک مرکزی را شامل نمی‌گردد؛ چراکه بانک مرکزی ایران، یک کارگزار دولتی است که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهد.» (Brief for the United States as Amicus Curiae, p. 22, Bank Markazi, aka Cent. Bank of Iran v. Deborah Peterson et al. (No. 14-770) (S. Ct. Aug. 2015), POUS, Ann. 238

2. Verbatim Record of 8 October 2018 (Donald Earl Childress), p. 54, para. 43.

3. Vienna Convention on the law of treaties 1969, art. 31 (1).

4. Verbatim Record of 8 October 2018 (Donald Earl Childress), pp. 43, 45, paras. 8, 16.

تابع مقررات شرکت‌های سهامی - نه مقررات دستگاه‌های عمومی - است. به علاوه، بانک مرکزی به عنوان یک واحد و مؤسسه به دولت مالیات می‌پردازد و می‌تواند مانند هر شخص حقوقی هر نوع قراردادی منعقد نموده یا خدمات و کالاها را خرید و فروش کند و نزد دادگاه حاضر شود. یکی از وکلای ایران خانم فیلیپا وب در این مورد گفت دادگاه استیناف آمریکا در قضیه «فلاتو»<sup>۱</sup> استقلال شخصیت حقوقی بانک صادرات از دولت ایران را پذیرفته و ماده ۱۶۱ (ب) (۱) قانون آمریکا در مورد مصونیت دولت‌های خارجی (۱۹۷۶) نیز جز در صورت اعراض صریح بانک خارجی، مصونیت آن را غیر قابل خدشه اعلام کرده است.<sup>۲</sup> ایران به عنوان استدلال جایگزین اضافه می‌کند که ایراد مقدماتی سوم آمریکا «ویژگی صرفاً مقدماتی»<sup>۳</sup> ندارد و دیوان باید پس از استماع ادلۀ طرف‌ها در مرحله رسیدگی ماهیتی در این خصوص اظهارنظر کند.<sup>۴</sup>

دیوان ایراد آمریکا را رد کرد و گفت موجودیت‌هایی که به‌طور جزئی یا کلی تحت مالکیت دولت هستند می‌توانند «شرکت» در مفهوم عهدنامه مودت قلمداد شوند و این واقعیت که دولت، فعالیت‌های بانک را هدایت و به دقت کنترل می‌کند، به خودی خود اثبات‌کننده این نیست که آن بانک از شمول مفهوم «شرکت» در معنای عهدنامه مودت خارج می‌شود. البته دیوان استدلال ایران در خصوص بی‌اهمیت بودن ماهیت فعالیت‌های انجام شده را نمی‌پذیرد و اعلام می‌کند که مؤسسه‌ای که فعالیت‌های صرفاً حاکمیتی و مرتبط با کارکردهای حاکمیتی دولت را انجام می‌دهد نمی‌تواند به عنوان شرکت در مفهوم عهدنامه مودت قلمداد شده و از حقوق و مزایای پیش‌بینی شده در آن عهدنامه بهره‌مند شود.<sup>۵</sup> به عبارت دیگر، به عقیده دیوان، نوع فعالیت هر مؤسسه یا موجودیت تعیین کننده خواهد بود. از این‌رو، حتی اگر اشتغال اصلی یک شخص حقوقی، ماهیت اقتصادی نداشته باشد، اما تا جایی که این شخص فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهد، «شرکت» در معنای عهدنامه مودت قلمداد می‌شود.<sup>۶</sup> علی‌القاعدۀ دیوان با این نتیجه‌گیری باید به سراغ این امر می‌رفت که ماهیت فعالیت‌های بانک مرکزی در

1. Flatow v. Islamic Republic of Iran, United States Court of Appeals, Ninth Circuit, 308 F.3d 1065 \_ App. B69.

2. Verbatim Record of 10 October 2018 (Philippa Webb), p. 45, para. 7.

3. Exclusively Preliminary Character.

4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 83.

5. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 87-88, 90-91.

6. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 92.

آمریکا چه بوده است. اما دیوان ضمن اعلام این که همه واقعیت‌های مورد نیاز برای احراز این وضعیت را در دست ندارد و برخی از این واقعیت‌ها به صورت تنگاتنگ با مرحله رسیدگی ماهیتی مرتبط هستند، با اکثریت ۱۱ رأی موافق نسبت به ۴ رأی مخالف تصمیم گرفت که ایراد مقدماتی سوم را تنها پس از استماع استدلال‌های طرف‌های اختلاف در مرحله رسیدگی ماهوی رسیدگی و تعیین تکلیف کند و با توجه به اوضاع و احوال قضیه، این ایراد آمریکا یک ویژگی صرفاً مقدماتی ندارد.<sup>۱</sup>

نکتهٔ طریف حقوقی این است که وظیفهٔ دیوان در این مرحله از رسیدگی (صلاحیت) این نیست که تعیین کند که آیا برخی حقوق بانک مرکزی نقض شده است یا خیر؛ زیرا این پرسش، ماهوی است. دیوان باید در مرحله رسیدگی صلاحیتی احراز کند که آیا همان‌طور که ایران ادعا می‌کند، برای بانک مرکزی در عهدنامه مودت حقوقی قابل تصور است یا خیر و اگر چنین حقوقی وجود دارد و بین طرف‌ها «اختلاف» وجود دارد، دیوان برای رسیدگی به نقض آن‌ها در مرحله ماهیتی، صلاحیت دارد؟ قاضی کرافورد و قاضی تومکا به عنوان مخالفان این اظهارنظر، یک نظریهٔ جداگانهٔ مشترک به رأی دیوان ضمیمه نمودند و در آن به ارائه دلایل مخالفت خود پرداختند. آن‌ها دو نکته را مطرح کردند: نخست آنکه تعریف «شرکت» در عهدنامه مودت به هیچ وجه به ماهیت فعالیت‌های یک مؤسسه برای احراز شرکت بودن آن اشاره نمی‌کند.<sup>۲</sup> همچنین آن‌ها معتقدند که این ایراد آمریکا یک ایراد صرفاً مقدماتی بود که دیوان اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری نسبت به آن را در اختیار داشت و محول کردن تصمیم‌گیری نسبت به این موضوع به مرحله رسیدگی ماهیتی ممکن است دیوان را با شرایطی مواجه کند که در قضیه

1. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 97.

این نتیجه‌گیری دیوان مسیوک به سابقه است و در رویه دیوان می‌توان مثال‌هایی را در این خصوص ذکر نمود. برای مثال، دیوان در قضیه «لاکری» بیان می‌کند در شرایطی که ایراد مقدماتی به‌نحو نزدیکی با رسیدگی ماهوی مرتبط است، دیوان بعنایار باید آن ایراد را در مرحله رسیدگی ماهیتی بررسی کند Questions of (Aerial Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1998, paras. 49-50) چراکه بر اساس آینین دادرسی دیوان، یک ایراد مقدماتی که مستلزم رسیدگی صلاحیتی است، باید ویژگی صرفاً مقدماتی داشته باشد (Rule of the International Court of Justice, art. 79).

2. طبق تعریف ارائه شده در ماده ۳ (۱) عهدنامه مودت، «شرکت» شامل مؤسسه‌ها، شرکت‌ها و سایر انجمن‌های است، فارغ از این که مسئولیت محدود یا منفعت مالی داشته یا نداشته باشند.

«بارسلونا تراکشن» ایجاد کرده بود و این بر خلاف ماده ۷۹ (۹) آیین دادرسی دیوان است که در سال ۱۹۷۸ جایگزین ماده ۶۲ (۵) آیین دادرسی سابق شده بود.

در قضیه «بارسلونا تراکشن»، دیوان رسیدگی به ایراد مقدماتی در خصوص سمت خواهان را با یک رأی اکثربت ضعیف از سوی قضاط - نه رأی موافق در مقابل هفت رأی مخالف - به مرحله رسیدگی ماهیتی ملحق نمود، اما شش سال بعد در مرحله رسیدگی ماهیتی به این نتیجه رسید که خواهان فاقد سمت برای طرح دعواست و در نتیجه، در خصوص سایر جنبه‌های قضیه نیز نمی‌تواند تصمیم‌گیری کند.<sup>۱</sup> قاضی کرافورد و قاضی تومکا نسبت به این بخش از اظهارنظر دیوان که اعلام کرده بود باید ماهیت فعالیت بانک مرکزی ایران در زمان نقض تعهدات آمریکا بررسی شود،<sup>۲</sup> نیز ایراد می‌کند و معتقدند که فعالیت‌های بانک مرکزی در زمان نقض ادعایی، موضوع اختلاف نیست، بلکه اتخاذ تدابیر اجرائی از سوی آمریکا علیه اموال بانک به منظور اجرای آراء صادره از دادگاه‌های آمریکایی علیه ایران، محل اختلاف است.<sup>۳</sup> قاضی براور به عنوان قاضی اختصاصی آمریکا ضمن اعلام موافقت کامل خود با نظریه جدایگانه مشترک مزبور، بیان می‌کند که هم طرف‌های اختلاف، زمان و موقعیت کافی برای توجیه ادله خود داشتند و هم دیوان اطلاعات لازم را برای تصمیم‌گیری در اختیار داشت و از این‌رو، دیوان در تعیین ویژگی انحصاراً مقدماتی این ایراد دچار اشتباه شده است.<sup>۴</sup>

## ۲. ایرادهای مقدماتی ایالات متحده آمریکا: عدم قابلیت پذیرش دعوا

ایالات متحده آمریکا در مورد عدم قابلیت پذیرش دعوا (با هدف رد دادخواست ایران در کلیت آن) دو ایراد «سوءاستفاده از روند دادرسی»<sup>۵</sup> و «عدم پاکدستی مدعی»<sup>۶</sup> را مطرح کرده است.

1. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), I.C.J. Reports 1970, p. 51, para. 102.
2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 97.
3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Joint separate Opinion of Judges Tomka and Crawford, paras. 1-4, 6, 10.
4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, Separate Opinion of Judge ad hoc Brower, paras. 24, 32.
5. Abuse of Court.
6. Clean Hands.

## ۲-۱. سوءاستفاده از روند دادرسی

دولت آمریکا در لایحه تفصیلی خود، ایراد «سوءاستفاده از حق»<sup>۱</sup> را مطرح کرده بود که به ترتیب مطروحه چه بسا رد می‌شد، اما در جلسه استماع آن را به «سوءاستفاده از روند دادرسی» تغییر داد. احیاناً تغییر موضع آمریکا به‌سبب بی‌توجهی به رأی دیوان در قضیه «مصنونیت‌ها و دادرسی‌های کیفری» بود.<sup>۲</sup> این اقدام آمریکا مورد اعتراض ایران نیز قرار گرفت. ایران استدلال می‌کند که بر اساس آیین دادرسی دیوان نمی‌توان یک ایراد جدید را در این مرحله از دادرسی (جلسه استماع) مطرح نمود.<sup>۳</sup> دیوان با اعلام این‌که این اقدام صرفاً بازتعریف یک وضعیت از قبل مطرح شده از سوی آمریکاست، ادعای ایران را نپذیرفت.<sup>۴</sup> آمریکا استدلال می‌کند که شرایط بنیادینی که عهدنامه مودت تحت آن منعقد گردید و به‌ویژه روابط کنسولی، اقتصادی و دوستانه‌ای که در آن مورد توجه بوده، امروزه وجود ندارد و رابطه دوستانه دولتین در چهارم نوامبر ۱۹۷۹ با اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگان‌گیری ۴۴۴ روزه کارکنان آن از هم گستته شد.<sup>۵</sup> آمریکا می‌افزاید که ایران با توصل به این عهدنامه به دنبال اجرای حقوقی مندرج در عهدنامه نیست بلکه قصد دارد تا دیوان را در یک اختلاف استراتژیک گسترده‌تری گرفتار کند. همچنین، ادعاهای نامربوط ایران، هدف‌های عهدنامه مودت را واژگون ساخته است و هنگامی که ایران ادعاهای مربوط به مصنونیت را مطرح می‌کند، در تلاش برای بازنویسی عهدنامه مودت است و این دولت، با دست بردن در عهدنامه مودت در نتیجه بی‌اعتنتایی به موضوع و هدف آن، اصل اساسی حسن نیت را نقض می‌کند.<sup>۶</sup> نماینده رابط و وکیل آمریکا آقای ریچارد ویسک در جلسه استماع بیان می‌کند که شکایت خواهان در این خصوص که ایران نباید در دادگاه‌های آمریکا تحت رسیدگی قضایی قرار بگیرد، مسئله‌ای نیست که

### 1. Abuse of Right.

۲. دیوان بیان نموده بود که سوءاستفاده از حق نمی‌تواند به عنوان مبنایی برای عدم قابلیت پذیرش دعوا قرار بگیرد؛ چراکه اثبات حق به‌راتبی یک موضوع ماهیتی است و اگر آن را در مرحله رسیدگی صلاحیتی بپذیریم، هر یک از طرف‌ها باید بدین منظور، حقوق و واقعیت‌هایی را اثبات کنند که در مرحله رسیدگی ماهیتی قصد استناد به آن‌ها را دارند (Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), (Preliminary Objections, I.C.J. Reports 2018, para. 151

3. Rules of International Court of Justice, art. 79 (1).

4. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 104.

5. Verbatim Record of 8 October 2018 (Richard C. Visek), p. 17, para. 11.

6. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 107-108.

تحت عهدنامه مودت حل و فصل شود و دیوان با حکم به جبران برای چنین خواهانی (ایران) کمکی به محافظت از تمامیت فرآیند قضایی نمی‌کند.<sup>۱</sup>

دیوان پس از بررسی موضوع می‌گوید که در این قضیه، شرایط استثنائی که رد دعوا ایران را بر اساس سوءاستفاده از روند دادرسی توجیه کند وجود ندارد.<sup>۲</sup> این نتیجه‌گیری دیوان در خصوص ایراد «سوءاستفاده از دادرسی»، منطبق با رویه سبقش نسبت به موضوع است. دیوان در رویه قبلی به این امر تصریح کرده بود که تنها در شرایط استثنائی، دعوا را به‌واسطه «سوءاستفاده از روند دادرسی» غیر قابل استماع اعلام می‌نماید.<sup>۳</sup> دیوان ادعای آمریکا در خصوص گستته شدن عهدنامه مودت ایران-آمریکا را نیز نمی‌پذیرد. این رویکرد، مطابق رویه‌ای است که دیوان همواره نسبت به خاتمه یا لغو معاهدات بین‌المللی در پیش گرفته است. دیوان در قضایای متعدد، ادعاهای طرفهای اختلاف در خصوص عدم تعهد به‌واسطه از بین رفتن معاهدات بین‌المللی را در اغلب موارد نپذیرفت و تلاش کرده با تفسیر مضيق از استثنائات خاتمه معاهدات، بر اصل لزوم «وفای به عهد»<sup>۴</sup> طرفهای عهدنامه تأکید کند. البته شاید این تصور به وجود آید که دیوان برای توسعی صلاحیت خود، به این قبیل ایرادها توجه نمی‌کند و در خصوص عدم اعتبار معاهداتی که به آن اعطای صلاحیت می‌کنند، به تفسیر مضيق روی می‌آورد. اما رویه دیوان در مورد معاهداتی که چنین ویژگی‌ای را ندارند، این فرضیه را رد می‌کند. مثال بارز این وضعیت، طرز عمل دیوان در قضیه «گابچیکوو ناگیماروس» است. در قضیه مذبور که اختلاف میان دولتهای اسلواکی و مجارستان نزد دیوان مطرح بود، مجارستان با ادعاهای «ممکن نبودن اجراء»،<sup>۵</sup> «تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد»<sup>۶</sup> و نقض معاهده دوچانبه سال ۱۹۷۷ میان دو کشور از سوی طرفها، سعی داشت در اعتبار معاهده مذبور خدشه وارد کند و آن را نفی نماید (بدار، ۱۳۹۸، صص ۱۸۵ و ۱۹۱). اما دیوان ضمن رد تمامی ادعاهای مربوط به بی‌اعتباری معاهده ۱۹۷۷، اعلام کرد که اگرچه طرفهای اختلاف، «خطاهای متقاطع»<sup>۷</sup> داشته و با عدم اجرای تعهدات

1. Verbatim Record of 8 October 2018 (Richard C. Visek), p. 14, para. 3.

2. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 113-114.

3. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), Preliminary Objections, I.C.J. Reports 2018, para. 150.

4. *pacta sunt servanda*.

5. Impossibility of Performance.

6. *Rebus sic stantibus*.

7. Intersecting Wrongs.

معاهداتی خود، معاهده را به‌طور مکرر نقض کرده‌اند، اما رفتار متخلفانه متقابل طرف‌ها نمی‌تواند سبب خاتمه معاهده یا مستمسکی برای پایان دادن به آن باشد، مگر این‌که طرف‌ها به‌طور مشترک رضایت به خاتمه معاهده دهند.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. عدم پاکدستی خواهان<sup>۲</sup>

ریشه دکترین عدم پاکدستی مدعی را باید در اصول انصاف و حسن نیت جستجو نمود (Kreindler, 2010, p. 317). همچنین، مدلول این دکترین در برخی از اصول کلی حقوقی از جمله «عمل غیرقانونی نمی‌تواند مبنای برای ادعای حقوقی قرار بگیرد»<sup>۳</sup>، «هیچ «هیچ دعوایی نمی‌تواند مبنی بر سبب ناپسند باشد»<sup>۴</sup> و «هیچ کس نمی‌تواند شرایط خود خود را با ارتکاب جرم بهبود ببخشد»<sup>۵</sup>، مورد توجه قرار گرفته است (Llamzon, 2015, p. 316). آمریکا با این‌که اقرار می‌کند که دیوان سابقاً هرگز ایراد عدم پاکدستی مدعی را نپذیرفته است، اما تأکید می‌کند که دیوان هرگز آن را رد نیز نکرده است و اکنون زمان آن رسیده که دیوان آن را تصدیق و اجرا کند.<sup>۶</sup> آمریکا استدلال می‌کند که ایران که از تروریسم بین‌المللی پشتیبانی و حمایت می‌کند و در منطقه اقدامات بی‌ثبات‌کننده در مغایرت با منع اشاعه هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و انباشت تسليحات انجام می‌دهد، در این قضیه در واقع به دنبال جبران رأی پتروسون است که به‌واسطه حمایت ایران از تروریسم صادر شده است.<sup>۷</sup> آقای بِت /بِهم یکی از وکلای آمریکا، در جریان استماع نزد دیوان بسیار تلاش نمود تا اقدامات حزب الله لبنان را به دولت ایران منتب کند. او نخست برخی اقدامات از جمله حمله به سفارت آمریکا در لبنان (۱۹۸۳)، انفجار

1. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), I.C.J. Reports 1997, paras. 114, 153.

۲. با این‌که ادعای عدم پاکدستی مدعی به‌صورت جداگانه‌ای از ادعای سوءاستفاده از دادگاه از سوی دولت آمریکا مطرح شد، وکیل آمریکا آقای بِت /بِهم در جلسه استماع بیان می‌کند که عدم پاکدستی مدعی، یک جزء فرعی سوءاستفاده از دادگاه یا معادل آن در نظام حقوقی کاملاً لاست او معتقد است دلیل این‌که چرا باید به‌واسطه عدم پاکدستی خواهان از پیگیری دعوا از سوی او جلوگیری شود این است که اجازه ادامه این رسیدگی، سوءاستفاده از دادرسی است (Verbatim Record of 8 October 2018 (Daniel Bethlehem), p. 56, para. 83). به‌حال، دیوان ادعای عدم پاکدستی مدعی را به‌صورت تمثیل از سوءاستفاده از دادگاه مورد توجه قرار می‌دهد.

3. ex delicto non oritur actio.

4. ex turpicausa non oritur actio.

5. nemo ex suo delicto meliorem suam conditionem est facit.

6. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 117; Verbatim Record of 8 October 2018 (Daniel Bethlehem), pp. 56-57, para. 82, 86.

7. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 116.

مقر تفنگداران نیروی دریایی آمریکا در لبنان (۱۹۸۳)، ترور چهار عضو حزب دموکراتیک کردستان ایران در رستوران «میکونوس»<sup>۱</sup> آلمان (۱۹۹۲) و انفجار مرکز یهودیان آرژانتین (آمیا)<sup>۲</sup> را به عنوان اعمال ارتکابی حزب الله لبنان معرفی می‌کند و سپس با اشاره به سخنان سیدحسن نصرالله (رهبر حزب الله لبنان) در ۲۵ ژوئن ۲۰۱۶، اقدامات مذبور را به دولت ایران منتب می‌کند.<sup>۳</sup> او تأکید می‌کند که خواهانی که با سوءنيت به دادگاه می‌آيد و برای صلاحیت دادگاه به یک عهدنامه دوستی استناد می‌کند تا اقدامات خود را توجیه کند، مبنای وجودی یک دادرسی عادلانه را به چالش می‌کشد.<sup>۴</sup> نماینده رابط و وکیل آمریکا آقای ویسک نیز برای اثبات عدم پاکدستی پاکدستی ایران، به دستگیری آقای اسدالله اسدی (دیپلمات ایرانی در اتریش) به اتهام مشارکت در طراحی بمبگذاری اجتماع ضد ایرانی در پاریس در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ اشاره و ادعا می‌کند که ایران، حمایت تروریسم را در سطح جهان راهبری می‌کند.<sup>۵</sup>

تیم حقوقی دولت ایران در مقابل این ادعاهای ساخت نمی‌نشیند. نماینده رابط و وکیل ایران با اشاره به فهرست واقعی تروریستی از جمله کشن دیپلمات‌های ایرانی در کابل به وسیله طالبان (۱۹۹۸)، عملیات تروریستی در مجلس ایران به وسیله داعش (۲۰۱۷) و عملیات تروریستی در اهواز (۲۰۱۸) که علیه ایران و اتباع ایرانی انجام شده است، می‌گوید که ایران قربانی اصلی تروریسم است و با استناد به بیانات رهبر ایران آیت الله سیدعلی خامنه‌ای<sup>۶</sup> اعلام می‌کند که ایران همواره تروریسم را محکوم کرده است.<sup>۷</sup> او همچنین در خصوص اتهامات مطروح علیه ایران به دیوان اعلام می‌کند اگر آمریکا

1. Mykonos.

2. Asociación Mutual Israelita Argentina (AMIA).

۳. سیدحسن نصرالله (رهبر حزب الله لبنان) در سخنرانی ۲۵ ژوئن ۲۰۱۶ خود اعلام می‌کند: «ما این واقعیت را علنی اعلام می‌کنیم که بودجه حزب الله، درآمد، هزینه، سلاح‌ها، موشک‌ها و هر چیزی که می‌خوریم یا می‌آشامیم، همگی از جمهوری اسلامی ایران می‌آید.»

4. Verbatim Record of 8 October 2018 (Daniel Bethlehem), pp. 40-53, paras. 24-68; Verbatim Verbatim Record of 11 October 2018 (Daniel Bethlehem), p. 11, para. 5.

5. Verbatim Record of 11 October 2018 (Richard C. Visek), p. 58, para. 14.

۶. رهبر ایران (آیت الله سیدعلی خامنه‌ای) در سخنرانی خود در محکومیت تروریسم بیان می‌کند: «کشن مردم در در هر مکان و با هر نوع سلاح از جمله سلاح‌های اتمی، موشک‌های دوربرد، سلاح‌های شیمیایی یا بیولوژیک، هوایپماهای جنگی یا مسافری که به وسیله هر سازمان، دولت یا فردی ارتکاب یابد، محکوم است و در این زمینه هیچ تفاوتی نمی‌کند که این جنایتها در هیروشیما، ناکازاکی، غنا، صبرا، شتیلا، دیر یاسین، بوسنی، کوزوو، عراق، نیویورک یا واشنگتن صورت بگیرد.»

7. Verbatim Record of 10 October 2018 (Mohsen Mohebi), pp. 16-17, paras. 22-23.

به راستی معتقد است که ایران اقدامات متخلفانه متعددی پس از انقلاب ایران انجام داده است، پس چرا - با این که می‌توانست - هیچ‌گاه شکایتی را علیه ایران در خصوص اقدامات مذبور در دیوان مطرح نکرد؟<sup>۱</sup> او تأکید می‌کند که فهرست طولانی از اقدامات تروریستی آمریکا و حمایت از جریان‌های معارض جمهوری اسلامی ایران وجود دارد اما موضوع این پرونده امر دیگری است و اظهارات آمریکا برای منحرف کردن دیوان است و ارزش پاسخ ندارد. قاضی ممتاز نیز به عنوان یکی از موافقان رویکرد ایران، در این خصوص به اظهارنظر دیوان در قضیه «مصطفویت‌های صلاحیتی» چنین اشاره می‌کند: «مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، یک دولت به واسطه این واقعیت که متهم به نقض حقوق بشر یا حقوق مخاصمات مسلحانه است، از مصونیت محروم نمی‌شود.»<sup>۲</sup>

در نهایت، دیوان ایراد مبتنی بر عدم پاکدستی مدعی را رد می‌کند، اما بیان می‌کند که این اظهارنظر دیوان مانع طرح ادعاهای آمریکا در مرحله رسیدگی ماهیتی نمی‌شود.<sup>۳</sup>

1. Verbatim Record of 12 October 2018 (Mohsen Mohebi), p. 37, para. 6.

2. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), I.C.J. Reports 2012, para. 88.

3. Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 123-124.

## نتیجه

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ (۲۴ بهمن ۱۳۹۷) خود در قضیه «برخی اموال ایران»، صلاحیت خود را برای رسیدگی به ادعاهای ایران در خصوص نقض عهدنامه مودت ایران-آمریکا احراز نمود. در این رأی، دیوان به اتفاق آرا ایراد عدم صلاحیت دیوان بر اساس استثناهای ماده ۲۰ (۱) عهدنامه مودت را نمی‌پذیرد. افزون بر این، دیوان می‌پذیرید که شرکت‌هایی که کار حاکمیتی می‌کنند می‌توانند مشمول عنوان «شرکت» در معنای عهدنامه مودت باشند. همچنین، دیوان با رد ایرادهای نسبت به عدم قابلیت استماع دعواهای ایران بر اساس «سوءاستفاده از روند دادرسی» و «عدم پاکدستی خواهان»، صلاحیت خود را در این قضیه احراز می‌کند. با این‌که در جلسات استماع دیوان بحث‌های گسترده‌ای میان وکلای طرف‌های اختلاف درگرفت، تیم حقوقی آمریکا در دور دوم استماع، به این امر که ایران به برخی از ادعاهای و اتهام‌های مطروح از سوی آمریکا پاسخ نداده، ایراد می‌کند که این ایراد با پاسخ قاطع نماینده رابط و وکیل ایران مواجه می‌شود. نماینده رابط ایران بیان می‌کند که این آمریکا نیست که تعیین می‌کند که ایران باید چه مطالبی در دادگاه بگوید و باید به هر استدلال بی‌ربط آمریکا پاسخ دهد، بهخصوص به اتهام‌ها و مباحثی که آشکارا خارج از قلمرو عهدنامه مودت و دعواهای مطروح هستند.<sup>۱</sup>

یافته دیوان در خصوص عدم حمایت عهدنامه مودت از مصنونیت‌های حاکمیتی قابل انتقاد است. در این زمینه ایران قصد داشت تا پس از اثبات حمایت عهدنامه مودت از مصنونیت حاکمیتی، از حقوق بین‌الملل عرفی برای تبیین شروط این مصنونیت و اعمال آن در قضیه مطروح استفاده نماید. البته در این مرحله از رسیدگی، ایران به حقوق بین‌الملل عرفی تنها به میزانی استناد می‌کند که برای تفسیر مواد عهدنامه مودت ضروری است. دیوان با اعلام این که عهدنامه مودت این قابلیت را ندارد تا از موضوع مصنونیت حمایت کند، این خواسته ایران را خارج از صلاحیت خود قلمداد نمود. این در حالی است که دیوان در رویه سابق خود که از قضا به اختلاف میان همین طرف‌ها (ایران و آمریکا) و بر مبنای همین معاهده مطرح شده بود، پذیرفته بود که عهدنامه مودت این ظرفیت را دارد که حتی موضوعاتی از جمله توسل به زور در روابط میان دو دولت را تحت

1. Verbatim Record of 12 October 2018 (Mohsen Mohebi), p. 36, para. 4.

صلاحیت دیوان قرار دهد. علاوه بر این، تصمیم دیوان در تفسیر عهدنامه مودت و رد ایرادهای مقدماتی آمریکا و پذیرش صلاحیت خود، علی‌رغم تنש‌های سیاسی پیچیده بین دولتين طرف دعوا به‌ویژه بی‌توجهی به ایرادها و ادعاهای سیاسی خوانده دعوی، در راستای سیاست قضایی دیوان در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی است.

## فهرست منابع

### الف. منابع فارسی

۱. بدّار، وحید؛ «تحلیل محتوای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکوو ناگیماروس»، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱۸، ۱۳۹۸.
۲. عبداللهی، محسن و شافع، میرشہبیز؛ مصنونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، تهران، اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶.
۳. عزیزی، ستار و بدّار، وحید؛ «دفاع مصنونیت دولت پس از پذیرش ارجاع اختلاف به داوری بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۲، ۱۳۹۸.

### ب. منابع خارجی

4. Hosseinnejad, Katayoun, & Askary, Pouria, “Interpretation of Implication: Some Observations on the Recent ICJ Decision in the Case of Certain Iranian Assets,” 2019. ([www.opiniojuris.org](http://www.opiniojuris.org)).
5. Kreindler, Richard, “Corruption in International Investment Arbitration: Jurisdiction and the Unclean Hands Doctrine,” Between East and West: Essays in Honour of Ulf Franke-edited by Kaj Hober, Annette Magnusson and Marie Öhrström, Juris Publishing, 2010, pp. 281-323.
6. Llamzon, Aloysius, “Yukos Universal Limited (Isle of Man) v The Russian Federation: The State of the ‘Unclean Hands’ Doctrine in International Investment Law: Yukos as both Omega and Alpha,” ICSID Review - Foreign Investment Law Journal, Vol. 30, Issue. 2, 2015, pp. 315-325.

**Documents:**

7. Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA) 1976.
8. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act (ITRSRA) 2012.
9. Rule of the International Court of Justice.
10. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property 2004.
11. Vienna Convention on the law of treaties 1969.

**Cases:**

12. Al-Adsani v. the United Kingdom, ECHR, Application No. 35763/97, Judgment of 21 November 2001.
13. Alleged Violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Iran v. USA), Provisional Measures, Order of 3 October 2018, I.C.J. Reports 2018.
14. Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), Jurisdiction and Admissibility, Judgment, I.C.J. Reports 2006.

- 15.Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), I.C.J. Reports 2019.
- 16.Flatow v. Islamic Republic of Iran, United States Court of Appeals, Ninth Circuit, 308 F.3d 1065 \_ App. B69.
- 17.Gaběíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), I.C.J. Reports 1997.
- 18.Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), Preliminary Objections, I.C.J. Reports 2018.
- 19.Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), I.C.J. Reports 2012.
- 20.LaGrand Case (Germany v. United States of America), I.C.J. Reports 2001.
- 21.Oil Platform Case (Iran v. USA), Preliminary Objection, I.C.J. Reports 1996.
- 22.Peterson v. Islamic Republic of Iran, United States District Court, District of Columbia, 30 May 2003, para. 92.
- 23.Question of the Delimitation of the Continental Shelf between Nicaragua and Colombia beyond 200 Nautical Miles from the Nicaraguan Coast (Nicaragua v. Colombia), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2016.
- 24.Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1998.
- 25.Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), I.C.J. Reports 2012.

## The Interpretative Approach of the International Court of Justice in "Certain Iranian Assets"

Mohsen Mohebbi\*

Vahid Bazzar\*\*

Received: 17/01/2019

Accepted: 28/05/2019

### **Abstract**

*The International Court of Justice in its jurisdictional judgment in "Certain Iranian Assets" (Iran v. USA), which was issued on February 13, 2019, is considered USA's preliminary objections to the jurisdiction and the admissibility of claim. Objection on exceptions to the non enforcement of the Amity Treaty (Article 20 (1)), objection on non-protection of the Amity Treaty to the immunity of the State, and the objection to non-inclusion of the treaty-based protection of the Central Bank (because of its failure to be regarded as a "Company") as objections to jurisdiction of the Court and the abuse of process, and the unclean hands of applicant (Iran) as the inadmissibility of claim were raised. The Court carefully considered the arguments of the parties to the dispute. The Court upheld the objection on non-protection of the Amity Treaty to the immunity of the State, but dismissed the objection to "national and essential interests" and the objection to the inadmissibility of the claim and thereby confirmed its jurisdiction to hear the application. the objection to non-inclusion of the treaty-based protection of the Central Bank joined to the merit. Because, in the Court's view, this objection is not exclusively preliminary. In this article, we attempt to examine and analyze the arguments of the parties to the dispute and the Court's conclusions about them and analyze the Court's findings.*

**Key words:** International court of justice, Provisional measures, Jurisdiction, Interpretation of treaty, Islamic republic of Iran, United States of America.

---

\*Assistant Professor at Law, Theology and Political Science Faculty of Science and Research Branch of Islamic Azad University.  
sd.mohebi@gmail.com

\*\*PhD in International Law at Allameh Tabatabai University.  
vahidbazzar@gmail.com